

## 22 خرداد 89 استمرار قیام مردم و استیصال حاکمیت

از خیزش مردم ایران برای کسب مطالبات تاریخی خود در تحقق آزادی؛ دموکراسی؛ داشتن یک زندگی شرافتمندانه انسانی بر اساس کار و خلاقیت؛ تأمین کار؛ مسکن؛ آموزش و بهداشت برای همگان بیش از یکصد سال می‌گذرد. تلاش برای کسب این حقوق انسانی؛ هر چند حاکمیت‌های مستبد؛ خونخوار؛ ضد بشر و وحشی را بارها از تخت قدرت بزیر کشیده و بخاک افکنده؛ اما هنوز به نتیجه لازم و اساسی خود دست نیافته؛ و این نیست مگر حاصل فریب خوردن مردم در سیر مبارزات خود؛ که گویا جناح‌هایی از طبقات حاکمه و یا حامیان خارجی استثمارگر آنها می‌توانند و یا می‌خواهند مطالبات تاریخی مردم را تحقق بخشند در حالیکه کسب مطالبات تاریخی مردم جز با تبلور اراده مردمی از طریق شوراهای نهادها و سازمان‌های مردمی امکانپذیر نیست.

نظام ولایت فقیه که در دوره متأخر یعنی عصر جهانی شدن و پس از پیروزی مردم ایران در قیام ضد سلطنتی استقرار یافت طبعاً بسیار بیشتر با فشارها و تناقض‌های مطالبات مردم و ویژگی‌های دوران معاصر با نظام پوسیده و ضد بشری خود قرار دارد؛ زیرا این رژیم با حمل روبنای حقوقی و اخلاقی دوران جاهلیت و فاصله داشتن با الزامات و عملکرد یک نظام حکومتی متعارف امروزی؛ تنش‌ها و بحران‌ها برای بقا و تداوم حاکمیتش افزوده‌تر می‌شود و بهمین جهت وحشیانه و عریان‌ترین ابزار سرکوب را از روز اول پیدایش خود بر علیه مردم و نیروهای مبارز و آزادیخواه بکار برده است. از طرف دیگر خود فریبی بخش‌های زیادی از مردم بجهت توهم در مورد اینکه حکومت دینی می‌تواند یک زندگی درخور انسان را محقق نماید در مقابل کشتار؛ ترور؛ ارباب سکوت کرده و حاکمیت منحوس خمینی و رهروانش امکان ظهور و خودنمایی یافته است. این حکومت بر اساس توتالیتریسم و انحصار مطلق و ارباب حکومت می‌کند. در چنین حکومت‌هایی اگر فضای اجتماعی - فرهنگی - ایدئولوژیک حکومت دچار شکاف و ترک شود؛ شکاف گسترش یافته و رژیم را به کام خود می‌کشد. هم‌اکنون پایه‌های اصلی حاکمیت دچار موریانه خوردگی و پوسیدگی است و مبنایی برای حفظ تعادل و کارگرددش وجود ندارد و بحران‌های عمیق اقتصادی به همراهی بحران‌های سیاسی و ایدئولوژیک دیگر پایه و تکیه‌گاه مستحکمی برای تداومش باقی نگذاشته است. تنها قهر و سرکوب عریان؛ گستاخانه و بی‌پرده پوشی راهکار تداوم حاکمیتش می‌داند؛ اما واضح است که نیروی نظامی سرکوب با وجود بحران‌های اقتصادی - اجتماعی تنها در کوتاه مدت مؤثر خواهد بود. و سقوط حاکمیت‌ها در هر نسل جدید در ایران تکرار خواهد شد.

نیازی به نشان دادن بحران سیاسی حاکمیت وجود ندارد زیرا نگاهی اجمالی به حذف و بیرون ریختن بخش‌های متعادل‌تر طبقه حاکمه؛ یعنی اصلاح‌طلبان که دامنه آن تا بیت خمینی ضد بشر و جنایتکار هم رفته است و ایجاد جناح‌های تازه‌تر و درگیری‌های داخلی باز هم تازه‌تر سر دراز و بی‌پایانی دارد. هاشمی رفسنجانی در سال 60 اظهار می‌کرد اگر امروز دو تا سه هزار بکشیم در آینده مجبور نخواهیم بود که بیست تا سی هزار بکشیم و صد البته ایشان شکسته نفسی می‌کرد و منظورش واقعاً این بود؛ که اگر یکصد هزار نفر از مبارزین را قتل عام کنیم؛ حداقل تا یکصد سال با خیزش میلیونی مردم مواجه نخواهیم بود؛ اما وی درک نمی‌کرد که تضادهای اجتماعی با راهکارهای سخت‌افزاری حل نخواهد شد و قانونمندی‌های اجتماعی - اقتصادی؛ تاریخی و سیاسی کارکرد و منطق خاص خود را دارد و با قساوت و وحشی‌گری‌های بسیار شدید تر هم پایان عمر نکبت بار این نظام بسیار زودتر از آنکه وی فکر کند محقق خواهد شد و راه‌گزینی از آن ندارند.

نظام وحشی ولایت فقیه در 22 خرداد 89 تمام نیروهای خود را در تهران و مناطق اطراف بسیج کرد و تلاش کرد با برخی کشیدن کمیت آنان؛ مردم را مرعوب نماید اما تمامی این لشکرها انگیزه و کارآیی یکصد مزدور سال‌های 57 و دهه 60 با پشتوانه ایدئولوژیک تمامیت‌خواهی را نداشتند. علی‌رغم لغو راهپیمایی از طرف موسوی و کروبی هزاران هزار جوان دختر و پسر و مرد و زن به خیابان‌های مرکزی سرازیر شدند که خود چند پیام داشت؛ یکی اینکه جنبش مقاومت با توان و پتانسیل روز اول هنوز سرزنده و رزمنده است و تا تحقق مطالبات تاریخی خود از پای نخواهد ایستاد. دوم اینکه به رژیم نشان داد عمر تاریخیش به سر آمده و کشتار و زندان و ارباب تأثیر ندارد و سوم اینکه هر

کس که در تقابل و منع حرکت؛ مسیر تحقق مطالبات تاریخی اعم از موسوی و کروی و یا هر فرد و یا جریان و حزبی بخواهد قرار گیرد مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و مهر مردودی دریافت خواهد کرد. حضور هزاران نفر از مردم؛ هر چند عده‌ای با قیافه‌های مرعوب؛ اما اکثریت با داشتن لبخند بر روی لب‌های نشان از نگرش تحقیرآمیز به انبوه لشکرهای سرکوب نظام ولایت فقیه بود. و بجهت انگیزه عمیق برای آزادی و دمکراسی و بی‌انگیزگی سرکوبگران؛ دستگیر شده‌گان نیز ترسی از خود نشان نمی‌دادند و بیشتر دستگیر شده‌گان در همان خیابان آزاد می‌شدند زیرا حاکمیت هم متوجه بی‌اثری افزودن به خیل زندانیان مقاوم و مبارز کنونی پی برده است که بیشک دستگیر شده‌گان در زندان آموزش دیده و آبدیده تر خواهند شد و حجم وسیع شکنجه و حتی اعدام‌ها تا کنون اثرات معکوس بجای گذاشته است. مردمی که به جهت جو سرکوب؛ با سکوت در پیاده‌روها در رفت و آمد بودند اعصاب فرماندهان نظام جنایتکار را بشدت درهم ریخته بودند دیگر کنترل از دستشان خارجی شده و متضاد عمل می‌کردند؛ در یک پیاده‌رو چند مأمور موتور سوار با بصدا درآوردن آژیر خود و با باتوم تلاش داشتند محوطه را بطور مطلق خالی کنند در پیاده‌رو آنطرف خیابان همه در رفت و آمد و حتی برای نظاره‌گری ایستاده بودند و این مشخص می‌کرد که هیچ برنامه منسجمی ندارند.

وقتی فرد همراه من به ضرب و شتم یک دستگیر شده در میدان مرکزی شهر با فریاد و صدای بلند اعتراض می‌کرد؛ از بد حادثه در میان انبوه لباس شخصی‌هایی بودیم که بطرف ما آمدند و یکی از آنها وی را گرفت و وقتی وی باز هم اعتراض کرد چرا دستگیر شده را می‌زنند؛ تنها به وی تذکر دادند که سریع تر از آنجا رفته و داد و فریاد نکند؛ این حادثه عینا در دو سه قدمی یکی از مراکز نظامی بسیج تکرار شد و با فریاد وی؛ مزدوران از ضرب و جرح دستگیر شده خودداری نمودند و از پشت سر یک مزدور لباس شخصی‌ها تذکر داد که تند تر راهش را برو و باز هم انتظار بود در مقابل درب ورودی مقر نظامی با دستگیری مواجه شود. وقتی به بیش از بیست نفر از سربازان که برای سرکوب آورده بودند گفته شد که خامنه‌ای خودش در بهترین نقاط ویلایی هم اکنون قرار دارد و هواپیما و هلیکوپتر شخص و اسب‌های تفریحش را دارد و آنگاه شما (سربازان) در این گرما عذاب می‌کشید هیچکدام عکسی‌العملی نشان ندادند.

براستی این همه لشکرهای سرکوب در بستر بحران‌های عمیق اقتصادی-اجتماعی جز ببرهای کاغذی چیزی نیستند زیرا شاه‌انگام باز مردم از پشت بام‌ها و در کوچه و خیابان شعار خواهند داد. اعتراضات هر لحظه شعله‌های بیشتری کشیده و مردم دیگری خود را مجبور به حضور در آن خواهند یافت زیرا آگاهی‌ها افزوده خواهد شد؛ بیکارسازی‌ها و اخراج‌ها و بیکاری‌ها؛ تورم و سقوط میزان درآمدها همچنان ادامه می‌یابد و از طرف دیگر همین اعتراضات نیز هزینه‌های حکومت کردن را افزایش داده و مدام بر بحران‌های آن می‌افزاید و ولی فقیه مفلوک در تارهای خود تنیده محبوس خواهد شد. در عرصه سیاست و روابط خارجی؛ علیرغم تمام کرنش‌ها و عقب‌نشینی‌ها و پذیرش تعلیق غنی‌سازی و شعبده‌بازی برای داخل؛ که وانمود می‌کردند برنده میدان هستند؛ حتی از طرف دوستان استراتژیک خود نیز ببازی گرفته نشدند؛ ظاهراً آنها هم به این نتیجه رسیده‌اند که می‌بایست ب فکر روابط با رژیم بعد از حکومت ولی فقیه باشند.

تداوم حرکات اعتراضی نشانگر وجود وجود مقاومت ریشه دار در مردمی بوده که دیگر به هیچ وجه تحمل استمرار نظام ولایت فقیه و نظام مبتی بر استثمار و چپاول و غارت آن را نداشته و از مطالبات تاریخی خود کوتاه نخواهند آمد و همین رژیم توتالیتر را به استیصال خواهد کشاند. نیروها در بالا دچار شکاف و در پایین دچار ریزش می‌شوند و از طرف دیگر هزینه‌های حکومت کردن را بشدت افزایش و میزان سرمایه‌گذاری را کاهش خواهد داد و در این جنگ فرسایشی کل نظام قفل خواهد شد.

اعتراضات خرداد ماه نشانگر پیروزی مطلق مردم در پیگیری مطالبات خود و شکست کامل رژیم در عدم توان‌قدرت در خاموش کردن آنرا داشت امری که بالاخره اضمحلال رژیم نتیجه چنین روندی خواهد بود.

**اتحاد برای برقراری شوراهای مردمی**